

◇ نشریه علمی زن و فرهنگ

سال دوازدهم، شماره ۴۵، پاییز ۱۳۹۹

صفحات: ۱۹-۷

تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۰۲/۰۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۲۶

نگاره زن اشکانی بر روی آثار و یافته های باستان شناسی

سارا ذوالفقاری^۰

بهمن فیروزمندی شیره جینی^{۰۰}

یعقوب محمدی فر^{۰۰۰}

چکیده

هدف این پژوهش بررسی حضور، نمایش و جایگاه زن به مفهوم وسیع آن بر روی آثار و مواد فرهنگی باستان شناسی بر جای مانده از دوران اشکانیان می باشد. جامعه پژوهش شامل نقش و نگار زنان بر روی آثار دوران اشکانی است. نمونه نگاره های زن بر اساس شواهد باستان شناسی می باشد. طرح تحقیق توصیفی - تحلیلی و بر پایه تطبیق داده ها به صورت کیفی است. گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه ای و موزه ای با استفاده از منابع مکتوب و دیجیتال انجام شده است. نتایج نشان می دهند که در این دوره بیشتر از ادوار پیشین به شمایل نگاری زنان توجه شده و نسبت به دوره های قبل از خود به کلی متفاوت است. محصولات هنری به شدت التقاطی هستند و هیچ سبک خاصی در آن ها به چشم نمی خورد. نوع پوشش رایج زنان دوره اشکانی در مناطق مختلف متفاوت است. وجود آثار به جا مانده از نگاره زنان و ملکه ها بر روی سکه ها، نقوش برجسته، سردیس ها، نیم تنه ها، پیکرک ها، مجسمه ها، نقاشی های دیواری، آرایه های معماری، زینت آلات، ظروف و ریتون ها بیانگر نقش و حضور سیاسی و اجتماعی زنان در این دوره می باشد. از سویی دیگر مقایسه آن ها با دوره های مختلف راه را برای شناخت هر چه بیشتر بافت اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و سیاسی در دوره اشکانی هموار می کند.

کلید واژگان: نگاره، زن اشکانی، آثار باستان شناسی

* دانشجوی دکتری باستان شناسی دوران تاریخی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(ایمیل: Sarazolfaghari412@gmail.com)

** استاد گروه باستان شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول، ایمیل: b.firoz@ut.ac.ir)
*** استاد گروه باستان شناسی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، همدان، ایران (ایمیل: yamohamadi@yahoo.com)

«تمام حقوق انتشار این اثر متعلق به دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز می باشد»

مقدمه

بی‌شک اشکانیان (پارتیان) در نوسازی دوباره هویت ایرانی بعد از حمله اسکندر نقش کلیدی و بزرگی داشته‌اند. از شاخصه‌های مطرح این امپراتوری، پهناوری سرزمین‌های تحت کنترل آن‌ها، آزادی ادیان و مذاهب و سیستم حکومتی آن‌ها فتودالیسم^۱ یا ملوک الطوائفی می‌باشد. دوره اشکانی در تاریخ ایران زمین، طولانی‌ترین دوره حکومتی بوده است. اشکانیان یا پارتیان از قبيله پرنی در سال ۲۳۸ ق.م به سرکردگی ارشک نامی موفق به تشکیل حکومت در منطقه تحت نفوذ سلوکیان شدند. آنان بسیاری از آداب و رسوم عشیره‌ای خود را عملاً در طول حکومت خود به کار بستند. در واقع امپراتوری اشکانی چند فرهنگی و ترکیبی از میراث هخامنشیان و سلوکیان را با سنت فرهنگی ایرانیان ساکن استپ در آمیخته بود (بروسیوس^۲، ۲۰۰۶، ترجمه عبدی، ۱۳۹۲: ۱۱۷). روشن است که در چنین جامعه‌ای نگرش به زن دچار تحول شده و نحوه حضور وی در صحنه‌های مختلف متفاوت‌تر از دوران پیشین می‌شود. آثار تاریخی فراوانی از امپراتوری اشکانی در دست است که بیانگر این تفاوت و تغییر دیدگاه است. (دیاکونوف^۳، ۱۹۷۲، ترجمه کشاورز، ۱۳۵۱: ۱۱۹) به موضوع ازدواج‌های مختلط در دوره اشکانی اشاره دارد که در آن دوره قشری از مردم دو رگه پدید آمده که در نتیجه «امتزاج نظرهای مذهبی و اختلاط عقاید آن‌ها نیز امری احتراز ناپذیر بود» در نتیجه این تماس‌ها و تاثیرات متقابل، یک فرهنگ نوین التقاطی به وجود آمد. حجازی (۱۳۸۵: ۱۶۳) تمرکز این فرهنگ را در شهرها و در طبقه حاکم جامعه می‌داند. در هیچ دوره تاریخی مانند دوره اشکانیان، چنین التقاط فرهنگ، عقاید و سنن رایج نبوده، زیرا به موازات سنن نو و کهن ایرانی دیگر اشکال فرهنگی نیز در دوره حکومت ایشان به حیات خویش ادامه می‌دهند. در چنین شرایطی، کاملاً مشخص است که وضعیت زنان نسبت به دوران پیشین دچار تحول شده است (خانمرادی و فیروزمندی، ۱۳۹۳: ۲۶۲). در دوره قبل یعنی در دوره هخامنشی، نقش زنان اشرافی و ملکه‌ها تنها بر روی آثار محدودی به دست آمده است. با مقایسه آثار به‌جا مانده از نقوش زن در دوره اشکانی می‌توان تحولی بزرگ در ارتقای مقام و جایگاه زن مشاهده کرد. به دست آمدن آثار بسیار فراوان از همه مناطق امپراتوری پهناور اشکانی، با طرح و نقش زن، دلیل روشنی بر این مدعا است. پیشتر مطالعات صورت گرفته (ذوالفقاری، ۱۳۹۱) بر روی آثار دوره اشکانی این امر را روشن‌تر می‌کند. عنبرسوز (۱۳۹۰: ۱۷۸) اشاره دارد که در اوایل دوره اشکانیان زنان تا حدودی برابری و اعتلای مقام خود را باز یافتند ولی به موقعیت زنان هخامنشی نرسیدند. پیرنیا (۱۳۶۲: ۲۶۹۴) اشاره دارد که در جامعه پارت هم مانند بیشتر جوامع شرقی، مرد برتری کاملی بر زن داشت در این دوران قاعده عمومی بر جدا بودن زنان از مردان قرار داشت و اندرونی نجبای پارتی از بیرونی کاملاً مجزا شده بود و زنان در زندگی خارجی مردان شرکت و مداخله‌ای نداشتند. (دیاکونوف، ۱۹۷۲، ترجمه کشاورز، ۱۳۵۱: ۷۸) به نقش محدود ملکه‌های اشکانی در امور سیاسی و دولت

-
1. Feudalism
 2. Brosius
 3. Diakonov

نسبت به دوران هخامنشی تاکید می‌کند. در این دوران مقام و موقعیت اجتماعی زنان تا حدودی تنزل یافته و آن ارج و قربی که زن در نزد مادها و پارس‌ها داشتند دیگر اثری به چشم نمی‌خورد و عدم مداخله زنان در امور دولتی را باید یکی از خصایص ویژه دوران اشکانی دانست. البته اندک موارد معدودی نیز از حضور زنان دیده شده که اشاره به اقتدار زن و شرکت او در حکومت دارد. در این بین می‌توان مورد آشکاری از حضور زن بر صحنه سیاست را به نقش ملکه موزا همسر فرهاد چهارم که با پسرش فرهاد پنجم در سلطنت مشارکت داشت اشاره کرد. در این خصوص سکه‌هایی به دست آمده که از جمله آنان تصویر فرهاد پنجم (فرهادک) و مادرش «موزا» است که نشان می‌دهد فرهاد با مادرش متفقا بر تخت نشسته‌اند و در حقیقت این ملکه بود که مملکت را اداره می‌کرد. روایتی هست که می‌گوید فرهاد پنجم با مادرش ازدواج کرده‌است (آزاد، ۱۳۶۶: ۸۵). ملکه از حیث مقام خیلی پست‌تر از شاه نبود. او تاج بر سر می‌گذاشت و اگر شاه عنوان خداوندگار داشت، ملکه را ربه-النوع آسمانی می‌خواندند، ظاهراً ارزش اقتصادی و اجتماعی زنان در نقاط مختلف کشور اشکانی یکسان و همانند نبوده است (فاروقی، ۱۳۶۳: ۸۴). گرچه فقر شدید منابع تاریخی مرتبط با این دوره، وجود کتیبه و نوشتارهای بسیار کم از اشکانیان و از بین رفتن بسیاری از منابع و آثار توسط دوره بعدی آن‌ها یعنی ساسانیان راه را سخت‌تر می‌کند، به این دلایل و بسیار دیگر، محققان تاکنون نتوانسته‌اند چنان‌که باید برخی محورهای اصلی اجتماعی و فرهنگی، هم‌چون وضعیت زنان دوره اشکانیان را مطالعه کنند.

تاریخ و هنر اشکانی (پارت) در برخی از پژوهش‌ها، گرگوراتی^۱ (۲۰۱۵ و ۲۰۱۲)، کورتیس^۲ (۲۰۰۰)، اینورنیزی^۳ (۲۰۰۱)، ایرنه^۴ (۱۹۸۳)، داوینی^۵ (۱۹۸۶)، کالج^۶ (۱۹۷۷ و ۱۹۷۶)، گریشمن^۷ (۱۹۷۲، ۱۹۷۶ و ۱۹۶۲)، مک‌کی^۸ (۱۹۴۹)، محمدی‌فر^۹ (۱۳۸۷) مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. هم‌چنین آمیت^{۱۰} در بخشی از پژوهش‌های دوره اشکانی به نوع پوشش و لباس‌ها در نمونه‌های به دست آمده از این دوره می‌پردازد (آمیت، ۲۰۰۱). سرخوش^{۱۱} (۱۹۹۴، ۲۰۰۱) تحقیقات بسیاری در مورد تاریخ و هنر پارت دارد و در (۲۰۱۷) به پوشاک مردان در پالمیرا و برخی از آثار این دوره اشاره دارد. کالج (۱۹۷۷) اشاراتی به سربندها و زلف زنان در دوره اشکانی می‌کند و مطالعات (دیمز^{۱۲}، ۲۰۰۱، ترجمه وحدتی، ۱۳۸۸) در پژوهشی که درباره

1. Mouza
2. Gregoratti
3. Curtis
4. Inrenizzi
5. Irene
6. Downy
7. Colledge
8. Ghirshman
9. Mackay
10. Amiet
11. Sarkhosh
12. Daems

شمالی‌نگاری از پیش از تاریخ تا دوره ساسانی است تعدادی پیکرک‌های زنان اشکانی و تاثیر هنر شرق محور آثار را توضیح می‌دهد. متأسفانه تا به امروز پژوهش منسجم و فراگیری درباره زنان اشکانی صورت نگرفته است. زیرا مورخان تاریخ اشکانیان، چندان توجهی به این موضوع نداشته و از کنار نقش و جایگاه زن این دوره به سادگی گذشته و فقط اشاراتی به ازدواج‌های سیاسی آن دوران داشته‌اند. در این میان، بیشترین مطالب به موزا، همسر فرهاد چهارم اختصاص دارد. جدیدترین مقالات ارائه شده درباره این زن در سال ۲۰۰۴ توسط بیگ‌وود^۱ و در سال ۲۰۰۸ توسط استرونگل^۲ نگاشته شده است. بیگ‌وود (۲۰۰۸) هم چنین بر اساس کتیبه‌های تازه کشف شده بابلی به معرفی برخی از ملکه‌های دوره اشکانی اقدام کرده است. از دیگر کسانی که در زمینه فعالیت‌های اجتماعی زنان در دوره اشکانی مطالبی منتشر کرده‌اند می‌توان به بروسیوس (۲۰۰۶)، رحیمی‌فر (۱۳۸۴)، ذوالفقاری (۱۳۹۱)، ذوالفقاری و فیروزمندی (۱۳۹۴)، رحیمی‌فر (۱۳۷۶)، خانمرادی و فیروزمندی (۱۳۹۳) اشاره کرد. بروسیوس (۲۰۱۰)، کامل‌ترین پژوهش را درباره زن ایرانی در مقاله‌ای در دایره‌المعارف ایرانیکا به چاپ رسانیده که البته بسیار کلی به جایگاه زن در پیش از اسلام پرداخته و همه جوانب را بررسی نکرده است. از عملکرد یا شان اجتماعی زنان تصویر شده در آثار دوره اشکانی در منابع نوشتاری اطلاعات اندکی در دسترس می‌باشد. بنابراین جنبه‌های روشنی از زندگی روزمره، فعالیت‌های اجتماعی، مذهبی یا درباری زنان این دوره آشکار نیست. با وجود این، آثاری به دست آمده که می‌توان به برخی از رده‌های اجتماعی زنان، البته با توجه به ناآگاهی از سلسله مراتب واقعی قرارگیری آنها پی برد. به همین جهت هدف اصلی این تحقیق تمرکز بر روی یافته‌ها و آثار دوره اشکانی با محوریت موضوع زنان است. این بررسی علاوه بر معرفی و توصیف جهت شناخت هر چه بیشتر آثار این دوره، می‌تواند پیشنهادی برای به کارگیری نمونه‌های ذکر شده در بازساختی و تحلیل موقعیت زنان این دوره باشد، هم چنین علاوه بر حل برخی مجهولات، روزهایی را نیز برمی‌گشاید، چرا که این آثار می‌توانند منبع ارزشمندی جهت پاسخگویی پرسش‌های بی‌شمار و جنبه‌های خاصی از هنر اشکانی در زمینه‌های گوناگون، از جمله فرهنگ، اوضاع اجتماعی، سیاسی، مذهبی، نقش زنان در جامعه و تغییر و تحولات آن‌ها و به طور کل موقعیت اجتماعی زنان آن دوران باشند. بنابراین در پژوهش پیش رو با بررسی شواهد باستان‌شناختی برجای مانده از این دوره سعی شده تا تصویر روشن‌تری از عملکرد و جایگاه زنان اشکانی نشان داده شود. به این سبب هدف از تحقیق حاضر بررسی حضور و نمایش زن به مفهوم وسیع آن در دوره اشکانیان بر روی آثار و مواد فرهنگی باستان‌شناختی برجای مانده می‌باشد.

روش

طرح پژوهش، جامعه آماری و روش نمونه‌گیری: طرح پژوهش توصیفی-تحلیلی است. جامعه پژوهش شامل نقش و نگار زنان بر روی آثار برجای مانده از دوران اشکانی است. نمونه پژوهش شامل بررسی

1. Bigwood
2. Strugnell

جایگاه و نقش زن در جامعه عصر اشکانی بر اساس شواهد تاریخی و باستان‌شناختی می‌باشد.

روش اجرا

برای دستیابی به هدف پژوهش، پیشینه‌ها، مقالات مختلف، وبگاه موزه‌های معتبر جهان و کتاب‌هایی که در ارتباط با موضوع حاضر بود مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت. مبنای کار مقاله، گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای بود که از طریق فیش برداری انجام شد. پس از آن به بررسی شواهد بر جای مانده باستان‌شناختی از نگاره و نقش زن در گستره امپراتوری اشکانی پرداخته شد و اطلاعات به صورت کیفی مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها

سردیس‌ها و نیم‌تنه‌ها

تاکنون پنج سردیس و نیم‌تنه از ملکه‌های اشکانی شناخته شده است که هر یک سبک متفاوتی دارند. در برخی مانند (شکل ۱)، می‌توان تاثیر بی‌چون و چرای سبک یونانی پارتی را شاهد بود. جنبه‌های خاص هخامنشی در این سردیس، تاج کنگره‌دار و آرایش موی پسرانه اوست، ولی جزئیات صورت و سیمای وی کاملاً یونانی است. تاج کنگره‌دار این اثر اگر تقلیدی از هخامنشیان نباشد، گواه خوبی بر ادامه حیات تاج هخامنشی در دوره اشکانیان است (رجبی، ۱۳۸۵: ۳۲۳). سردیس به بلندی ۳۷/۵ سانتی‌متر احتمالاً متعلق به قرن نخست میلادی (یا اوایل سده دوم میلادی) می‌باشد، از شوش کشف شده و در موزه ملی ایران نگهداری می‌شود. جنس آن از مرمر سفید نازلی است که لکه‌ها و رگه‌های خاکستری دارد. مجسمه ساز که نامش آنتیوخوس پسر دریاس^۱ است آن را بر نیم تاج مجسمه حک کرده است. برخی از پژوهشگران معتقدند که این سردیس نشان‌دهنده الهه یونانی «توخه» است (واندنبرگ^۲، ۱۹۵۹: ۴۱۲). درحالی که برخی دیگر وی را ملکه موزا یا موسا می‌دانند که امپراتور آگوستوس وی را به عنوان کنیز به فرهاد شاه اشکانی، پیشکش کرده بوده است (دیمز، ۲۰۰۱، ترجمه وحدتی، ۱۳۸۸: ۸۹).

بی‌شک یکی از زیباترین و کمتر شناخته شده‌ترین آثار تندیس‌وار اشکانی (شکل ۲) است که در موزه شهر شوش استان خوزستان نگهداری می‌شود. نیم‌تنه (شاهزاده خانم اشکانی) به ارتفاع ۲۲ سانتی‌متر و به رنگ نخودی مایل به قرمز است. سردیس بر روی پایه ۲/۵ سانتی‌متری ساخته شده و محل کشف آن نامعلوم است. نکات اصلی که این اثر را از دیگر سردیس‌ها و نیم‌تنه‌های اشکانی متفاوت می‌کند، مدل، آرایش مو و حمایلی است که از شانه راست تا زیر کتف چپ دیده می‌شود و هم چنین نوع تاج اثر که متاسفانه قسمت کمی از آن باقی مانده است. بر خلاف مدل و مد موی رایج در اکثر آثار اشکانی، موها به پشت سر جمع نشده و کوتاه بر روی شانه‌ها آویخته و به صورت بسیار زیبایی به حالت موج‌دار با خطوطی نرم نشان داده شده‌اند (ذوالفقاری، ۱۳۹۱: ۱۰۶). بر اساس مدارک مکشوفه از مناطق مختلف امپراتوری اشکانی از جمله هترا، سلوکیه، اوروک و شوش زنان این دوره در زمینه موسیقی فعالیت داشتند. هم چنین در شرق امپراتوری

1. Antiochus the son of Dryas

2. Vanden berghe

و در پرستشگاه بودایی ایرتام نیز نقش برجسته زنی رامشگر در حال نواختن چنگ (رایس^۱، ۱۹۶۵)، ترجمه بهزادی، ۱۳۷۲: ۱۲۴-۱۲۵) و نیز در اولبیا در جنوب روسیه نقش زنی بر روی صفحه‌های استخوانی مجالس جشن و مهمانی همراه با موسیقی، رقص و بندبازی دیده می‌شود (گریشمن، ۱۹۶۲، ترجمه فره‌وشی، ۱۳۵۰: ۲۶۸). شکل ۳، نیم تنه سفالی زنی چنگ نواز است که با دست چپ ساز را نگه داشته و با دست راست در حال نواختن است. این اثر مهم هم اکنون در موزه لوور و جنس آن از سفال سرخ فام و دارای ۱۵ سانتی متر بلندی است. این آثار به نوعی راوی فعالیت‌های روزمره و اجتماعی زنان دوره اشکانی بوده و لازم به ذکر است که بیشترین پیکرک‌های نوازنده اشکانی یافت شده، مربوط به چنگ نوازان زن هستند. نکته بارز و قابل توجه، وجود تنوع سازهای موسیقی در بین آنها است. اساساً چهار گونه آلات موسیقی که عبارت هستند از کوبه‌ای هم چون طبل یا دهل، زهی هم چون چنگ، بادی به ویژه نی، سرنا، فلوت و جغجغه‌ها دیده می‌شود. نمایش زنان در حال نواختن سازهای بادی در این دوره ظاهر و در دوره ساسانی علاوه بر استفاده از ساز بادی نوعی عود شش سیمه (گیتار) نیز پدید آمده است (دیمز، ۲۰۰۱، ترجمه وحدتی، ۱۳۸۸: ۹۱).



شکل و طرح ۲. موزه شوش،
عکس و طرح (ذوالفقاری، ۱۳۹۱: ۲۳۵)



شکل و طرح ۱. موزه ملی ایران،
عکس و طرح (ذوالفقاری، ۱۳۹۱: ۲۲۱)



شکل و طرح ۳. چنگ نواز سفالی، عکس از موزه لوور فرانسه، طرح از (ذوالفقاری، ۱۳۹۱: ۲۳۷)

پیکرک‌ها و مجسمه‌ها

از دوره اشکانی مجسمه‌ها و پیکرک‌های زیادی از زنان به دست آمده که برخی منتسب به الهه‌ها هستند. وجود این حجم زیاد از پیکرک زنان مباحث مختلفی را برانگیخته است. ابتدایی‌ترین و مهم‌ترین این بحث‌ها

1. Rice

مربوط به مقدس بودن پیکرک‌ها است. همواره در این رابطه دو ویژگی مورد توجه قرار گرفته: اول تاکید بر عناصر جنسیتی و دیگری زاینده بودن زن است. عنصر جدید در این دوره تجسم زنان در سنگ مرنماست، به گونه‌ای که با آرنج چپ روی یک تخت یا راحتی لمیده و دست راست آن‌ها بر روی ران قرار دارد. به گفته (فن در استن،^۱ ۱۹۵۶:۳) این بانوان لمیده نشان‌دهنده الهه آناهیتا هستند. هزاران تندیس بر جای مانده نشان می‌دهد که آناهیتا از توجه توده‌های وسیع مردم برخوردار بوده است (رجبی، ۱۳۸۵:۱۹۱).



شکل و طرح ۴. (گریشمن، ۱۹۶۲، ترجمه فرهوشی، ۱۳۵۰:۹۵)،

طرح: (پوربهمن، ۱۹۹۶، ترجمه سیکارودی، ۱۳۹۰:۹۳)

شکل ۴، مجسمه سنگ آهکی از هاترا (الحضر) به ارتفاع ۲۱۰ سانتی‌متر که با توجه به کتیبه موجود در پایین آن مربوط به اوبال، دختر جابال در قرن دوم میلادی است. او به حالت احترام و پرستش با جامه‌های فاخر و دستاری بلند و جواهرات بسیاری ایستاده است. نوشته‌ای که در زیر پیکره به چشم می‌خورد به این نکته اشاره می‌کند که این پیکره توسط شوهرش بنا به یادبود مرگ او در سن هجده سالگی، بر پا شده است (پوربهمن، ۱۹۹۶، ترجمه سیکارودی، ۱۳۹۰:۱۵۰). این مجسمه در موزه بغداد نگهداری می‌شد که متأسفانه بعد از حمله نیروهای آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۰ مفقود شده است.

نقوش برجسته

در شهر پالمیرا (سوریه کنونی)، مقابر افراد ثروتمند در خارج از این شهر ساخته می‌شدند. نقوش برجسته تدفینی چهره افراد را در حالی که جسد آن‌ها به صورت مومیایی شده در مکعب‌هایی خالی در درون دیوار قرار داشتند بر بالای مقابرشان می‌گذاشتند. هر کدام از آن اتاقک‌ها دارای پلاکی هستند که مجسمه و نقش برجسته‌ای از فرد متوفی دارد. این مقابر معمولاً دارای کتیبه کوتاهی هستند که مشخص مومیایی شده را معرفی می‌کند (کالج، ۱۹۷۶، ترجمه رجب‌نیا، ۱۳۸۸:۱۶۹، ۱۷۰). می‌توان دل‌بستگی حجاران شرقی به نشان دادن آرایش‌ها و زینت‌آلات گرانبها را از نیم‌تنه گورستانی زنی، از سنگ آهک به بلندی: ۵۵ سانتی‌متر که به «زیباروی پالمیری» شهره است (شکل ۵)، متوجه شد. آثار فراوان زردی و سرخی و

1. Von der osten

سیاهی رنگ بر روی این اثر هنوز قابل مشاهده است (کالج، ۱۹۷۶، ۱۹۷۶)، ترجمه رجب‌نیا، ۱۳۸۸: ۲۴۲). حالت ناامیدی و یاس این چهره به خوبی بیان‌کننده آن است که متعلق به یک مقبره می‌باشد. حالت زنانه زن در حفظ و نگه داشتن پوشش سر و شالش به تصویر زیبایی زنانه خاصی بخشیده است. استفاده بسیار زیاد از جواهرات و زینت آلات می‌تواند روشن‌کننده این نکته باشد که احتمالاً این زن به طبقات بالای جامعه و قشر ثروتمند تعلق داشته است. تاریخ این نقش برجسته به اوایل سده ۳ میلادی مربوط است و در موزه کوپنهاگ دانمارک نگهداری می‌شود.



شکل و طرح ۵. (کالج، ۱۹۷۶: ۲۰۰)، طرح از نگارنده (ذوالفقاری، ۱۳۹۱: ۲۶۸)

آرایه‌های معماری (نقوش برجسته وابسته به معماری)

قسمتی از ستون گچبری شده با نقش زن (شکل ۶) مربوط به اواخر دوران اشکانی، اوایل ساسانی از قلعه ضحاک هشتروند (آذربایجان شرقی) کشف شده است. سر زن نسبت به بقیه اندام‌ها برجسته‌تر و دارای دو بال به سمت بالاست. در اطراف او طومارهایی (شاید سمبل) قرار دارد. احتمال دارد تصویری از الهه نیکه باشد (کاتالوگ موزه ملی ایران، ۱۳۷۸).

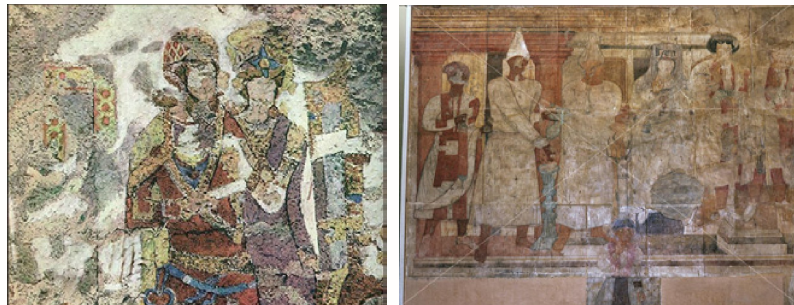


شکل و طرح ۶. کاتالوگ موزه ملی ایران، (۱۳۷۸)

نقاشی‌های دیواری

دوران اشکانی را در زمینه عرضه داشتن هنر دیوارنگاره (فرسک یا نقاشی روی گچ) می‌بایست از دوران‌های موفق هنر ایران دانست. هنر دیوارنگاره در این عهد چه از نظر انتخاب موضوع و چه از نظر صحنه‌پردازی و ترکیب رنگ‌ها و بالاخره سبک اجراء در دو سوی شاهنشاهی اشکانیان (شرق و غرب) دورانی بس شکوفا را می‌گذراند که با نمونه‌های جالب آن در کوه خواجه سیستان و دورا اوروپوس مواجه هستیم (ورجاوند، ۱۳۵۲: ۱۸۶). شکل ۷، نقاشی معروف به "شاه و شاهبانو" و از یافته‌های کوه خواجه

سیستان و متعلق به سده نخست میلادی است. در اینجا حالت طبیعی و آزاد افراد و انحنای زیبای اندام ملکه قابل توجه است. سر مرد نیمرخ و تنه او تمام رخ به شیوه شرقی ترسیم شده است (گریشمن، ۱۹۶۲، ترجمه فره‌وشی، ۱۳۵۰: ۴۲). برخلاف دوره هخامنشی که جز بر روی مهرها به ندرت با تصویر زن روبرو می‌شویم، در نقاشی‌های کوه خواجه زن نیز به گمان برای نخستین بار جایی در نقاشی پیدا کرده است (رجبی، ۱۳۸۵: ۲۴۹). از مهم‌ترین نقاشی‌های دیواری شهر دوراوپوس (در سوریه کنونی)، نقاشی معبد خدایان پالمیری معروف به مراسم قربانی کونون است (شکل ۸). در این تصویر، کونون در کنار دو روحانی ایستاده، یکی در حال افزودن شاخه‌ای به گلدانی آب (یا به عبارت دیگر پرتاب شاخه به درون آب) و دیگری در حال ریختن بخور در آتش مقدس است. در آن سو دختر کونون بیت نانا یا ایستاده است (هاپکینز، ۱۹۳۹: ۱۲۱ و ۱۲۵). در این صحنه زن دست راست خویش را به حالت احترام بالا برده است. بر اساس مدارک ارائه شده زنان نه تنها حق شرکت در مراسم مذهبی را داشتند بلکه به عنوان کاهنه در معابد خدمت می‌کردند و مراسم مذهبی را نیز به‌جا می‌آوردند. این برخلاف اظهارات پومپلوس تروگوس مبنی بر عدم حضور زنان در اجتماع است (آلتهایم، فرانس، ۱۹۷۱، ترجمه صادقی، ۱۳۸۸: ۲۰۰). زیرا در آثار ارائه شده زنان به تنهایی یا همراه مردان به انجام دادن مراسم مذهبی می‌پردازند و این موضوع در قلمرو اشکانیان اعم از شوش، پالمیرا، آشور، هاترا و دوراوپوس مشاهده می‌شود. بر روی پلاک سفالی مکشوفه از شوش (شکل ۹)، نیز زنی در حال انجام دادن امور مذهبی دیده می‌شود. وی در کنار یک عود سوز ایستاده، موهای کوتاه و صافی دارد و پوشش شنل مانندی بر تن که قسمتی از دست چپ و پای راست وی را در بر گرفته‌اند. او با دست چپ شنل را در بالای پای چپ نگه داشته و دست راست را به طرف عود سوز دراز کرده است (اینگن، ۱۹۳۹: ۱۶۸). نکته جالب درباره این پلاک آن است که در سایر آثار مراسم توسط یک کاهن مرد صورت می‌گرفت و زنان صرفاً به عنوان عبادت‌کننده در مراسم شرکت داشتند. حال آنکه در این اثر زن خود به تنهایی مراسم را انجام می‌دهد. بنابراین، به نظر می‌رسد که در این دوره زنان کاهنه نیز می‌توانستند انجام دادن مراسم مذهبی را عهده‌دار شوند.



1. Hopkins
2. Altheim Frantz
3. Ingen

شکل ۷. (گریشمن، ۱۹۶۲، ترجمه فره‌وشی، ۱۳۵۰: ۴۵) شکل ۸. (گریشمن، ۱۹۶۲، ترجمه فره‌وشی، ۱۳۵۰: ۴۲)



شکل ۹. عکس از: موزه ملی ایران

زینت آلات

شکل ۱۰، سگک کمربندی را با نقش مادری که فرزندش را در بغل گرفته نشان می‌دهد، پیشانی‌بندی نیز بسته است. این شیئی مسی به قطر: ۴/۲ سانتی‌متر و پهنای ۵/۱ سانتی‌متر از ایران کشف و در سال ۲۰۰۱ به موزه بریتانیا اهدا شده است. زینت آلات زیادی از دوره اشکانی، اعم از سگک کمربند و یا گیره و سنجاق مو با نقش زنان به دست آمده است (ذوالفقاری، ۱۳۹۱).



شکل و طرح ۱۰. سگک کمربند با نقش مادر و فرزند، موزه بریتانیا، طرح از نگارنده (ذوالفقاری، ۱۳۹۱: ۲۷۷)

بحث و نتیجه‌گیری

با وجود، حدود ۵۰۰ سال حکومت اشکانیان بر ایران، دانسته‌ها از این دوره بسیار کم است. آثار بسیار فراوانی از همه مناطق امپراتوری پهناور اشکانی، با طرح و نقش زن یافت شده است. از عملکرد یا شان اجتماعی زنان تصویر شده در آثار این دوره اطلاعات اندکی در دسترس می‌باشد و علت این مهم، عدم وجود منابع نوشتاری است که جنبه‌های روشنی از زندگی روزمره و زندگی مذهبی یا درباری زنان این دوره را نشان دهد. خصوصیات ظاهری موجود در تصاویر از جمله نوع پوشش و آرایش موی سر و تاج‌هایی که بر سر آن‌هاست و هم چنین نوع وظیفه‌ای که در حال انجام آن هستند می‌تواند طبقات اجتماعی زنان عصر اشکانی را مشخص کند. از زندگی معمولی و روزمره آن‌ها تصویر و اطلاعاتی در دست نیست، تنها چند اثر به نوازندگان زن مربوط هستند. به نظر می‌رسد که وجود آثار به جا مانده از تصاویر زنان و ملکه‌ها بر روی آثار مورد بررسی این تحقیق، خود بیانگر نقش و حضور سیاسی و

اجتماعی زنان آن دوره بوده است. تحلیل‌های حاصل نشان می‌دهند در دوره اشکانی نمایش زنان، نسبت به دوره‌های قبل از خود، به کلی متفاوت است. محصولات هنری این دوره به شدت التقاطی هستند و هیچ سبک قابل شناسایی خاصی در آن‌ها به چشم نمی‌خورد. به طور کلی در دوره اشکانی امکان اختلاط و پیوند هر چه بیشتر فرهنگ و هنر شرق و غرب میسر گردید. اشکانیان هر آن‌چه را که می‌خواستند از هنر یونان برگرفتند و باقی را فرو گذاشتند. از آن‌جا که محصولات هنری دهکده‌ها و روستاها به سبک محلی باقی مانده، به نظر می‌رسد که یونانی‌مآبی تنها شهرها و سکونت‌گاه‌های بزرگ‌تر را تحت تاثیر خود قرار داده است. از مشخصات دیگر این دوره رواج ساخت تندیس‌های کوچک آناهیتا است. هزاران تندیس به جای مانده نشان می‌دهند که آناهیتا از توجه توده‌های وسیع مردم برخوردار بوده است. این نمونه آثار باقی مانده نشان از نفوذ و اندیشه فرهنگ شرقی و حفظ آن حتی بعد از دوران صدساله سلوکی‌ها دارد و این دیدگاه را آشکار می‌کند که در جامعه اشکانی هنوز هم مقام زن به عنوان نماد بخشندگی و برکت، جایگاه خاص خود را محفوظ داشته است. ستایش آناهیتا، مظهر شخصیت زنان است. چه ستایش یک خدای زن در میان ملتی، طبعاً نمی‌تواند در سرنوشت و زندگی آن‌ها بی‌تاثیر باشد و مردان بهره‌ای از حرمت این پرستش و ستایش را نصیب زنان خود نسازند. بنابراین در این دوره نقش و حضور زنان را با تاکید بر آثار موجود بررسی شده می‌توان دارای موقعیت‌های زیر دانست:

- موقعیت اجتماعی (فراوانی تندیس‌های ملکه و شاهزادگان، نقوش برجسته تدفینی و نوازندگان)
- موقعیت سیاسی (سکه با طرح ملکه موزا، که نشان از ازدواج‌های سیاسی دارد)
- مذهبی و آیینی (نقش زن در کنار آتشدان، وجود پیکرک‌های ایزدبانو آناهیتا و نقاشی‌های دورا اورپوس)
- با وجود این همه آثار موجود این دوره با نگاره زنان، عجیب می‌نماید که نظریات و گفته‌های مربوط به عدم وجود و حضور زنان را در اجتماع اشکانی بپذیریم. بی‌گمان موجودیت نگاره زن بر روی آثار فرهنگی و هنری، معلول وجود اجتماعی و سیاسی آن و حضور پررنگ‌تر زنان در جامعه و در کل، در هویت ملی و فرهنگی آن‌هاست. علل به وجود آمدن این امر جای بحث و پژوهش بسیار دارد، که متأسفانه دوره اشکانیان به نسبت بقیه ادوار، مهجورتر و کمرنگ‌تر جلوه داده شده است، کنکاش در این مقوله بررسی‌های گسترده‌تر و بیشتری را می‌طلبد.

تعارض منافع: نویسندگان (نویسنده) تصریح می‌نمایند در این پژوهش تعارض منافع وجود ندارد. این پژوهش با هزینه محقق صورت گرفته است.

منابع

- اینورنیزی، آنتونیو. (۲۰۰۱). هنر دوره پارت. ۷۰۰ سال هنر ایران. فردریش زایسل. ترجمه فرانک بحرالعلومی. (۱۳۸۰). تهران: موزه ملی ایران.
- آزاد، حسن. (۱۳۶۶). پشت پرده‌های حرمسرا (گوشه‌های از تاریخ اجتماعی ایران). چاپ چهارم، تهران:

- انتشارات دیبا.
- آلتهایم، فرانس. (۱۹۷۱). *نوشته‌هایی در باب تاریخ و فرهنگ اشکانیان*. ترجمه هوشنگ صادقی. (۱۳۸۸). تهران: پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور.
- بروسیوس، ماریا. (۲۰۰۶). *ایران باستان*. ترجمه عیسی عبدی. (۱۳۹۲). تهران: نشر ماهی.
- پوربهن، فریدون. (۱۹۹۶). *پوشاک در ایران باستان*. ترجمه هاجر ضیاءسیکارودی. (۱۳۹۰). تهران: انتشارات امیرکبیر.
- پیرنیا، حسن (مشیرالدوله). (۱۳۶۲). *تاریخ ایران باستان*. جلد ۲ و ۸. تهران: دنیای کتاب.
- حجازی، بنفشه. (۱۳۸۵). زن در تاریخ، جایگاه زن در ایران باستان. چاپ اول، تهران: انتشارات قصیده سرا.
- خانمرادی، مژگان، فیروزمندی، بهمن. (۱۳۹۳). درآمدی بر شناخت زنان ایران در عصر اشکانی. *مجله زن در فرهنگ و هنر*، ۶(۲)، ۲۴۹-۲۶۴.
- دیاکونوف، م. م. (۱۹۷۲). *اشکانیان*. ترجمه کریم کشاورز. (۱۳۵۱). تهران: پیام.
- دیمز، اورلی. (۲۰۰۱). *تندیس‌گری و شمایل‌نگاری در ایران پیش از اسلام*. ترجمه علی اکبر وحدتی. (۱۳۸۸). تهران: نشر ماهی.
- ذوالفقاری، سارا. (۱۳۹۱). *نگاره زن پارتی بر روی آثار و یافته‌های باستان‌شناسی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز. منتشر نشده.
- ذوالفقاری، سارا، فیروزمندی، بهمن. (۱۳۹۴). بررسی و معرفی بیکرکهای انسانی اشکانی موجود در موزه آثار باستانی "لایدن" هلند. *مجله پژوهشهای باستان‌شناسی ایران*، ۸(۵)، ۶۷-۷۸.
- رایس، تامارا تالبوت. (۱۹۶۵). *هنرهای باستانی آسیای مرکزی تا دوره اسلامی*، ترجمه رقیه بهزادی. (۱۳۷۲). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رجبی، پرویز. (۱۳۸۵). *هنرهای گمشده*. جلد ۴، تهران: انتشارات توس.
- رحیمی‌فر، محسن. (۱۳۸۴). بررسی جایگاه زن در عهد باستان. *تاریخ‌پژوهی*، ۷(۲۴ و ۲۵)، ۵۵-۷۷.
- رحیمی‌فر، مهناز. (۱۳۷۶). *تحقیق و مطالعه پیرامون پیکره‌های گلی شوش در دوران تاریخی (بویژه هخامنشی، پارت، ساسانی)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته باستان‌شناسی، دانشگاه تهران.
- عنبرسوز، مریم. (۱۳۹۰). *زن در ایران باستان، بررسی حضور سیاسی، فرهنگی زن از ظهور زردتشت تا ظهور اسلام*. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات.
- فاروقی، فواد. (۱۳۶۳). *مروری بر سرنوشت انسان در تاریخ ایران*. چاپ اول، تهران: موسسه مطبوعاتی عطایی.
- کاتالوگ موزه ملی ایران. (۱۳۷۸). *ایران و یونان. گفتگویی میان تمدن‌ها*.
- کالج، مالکوم. (۱۹۷۶). *اشکانیان (پارتیان)*. ترجمه مسعود رجب‌نیا. (۱۳۸۸). تهران: انتشارات هیرمند.
- گریشمن، رومن. (۱۹۶۲). *هنر ایران در دوره پارت و ساسانی*. ترجمه بهرام فروه‌شی. (۱۳۵۰). تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- محمدی‌فر، یعقوب. (۱۳۸۷). *باستان‌شناسی و هنر اشکانی*. تهران: انتشارات سمت.
- وبسایت موزه بریتانیا: www.thebritishmuseum.ac.uk

- وبسایت موزه لوور فرانسه: www.louvre.fr.
- ورجاوند، پرویز. (۱۳۵۲). *سیری در هنر ایران در دوران اشکانی*. مجله هنر و مردم. شماره ۱۳۶ و ۱۳۷.
- Amiet.(2001). *La sculpture susienne, a L'epoquer de L'empire Parthe*.
- Bigwood,J.M.(2008). Some Parthian Queens in Greek and Babylonian Documents. *Iranica Antiqua*, 236- 274.
- Bigwood,J.M.(2004). Queen Mousa, Mother and Wife of king Phraataces of Parthia: Re-evaluathion of Evidence.Mouesion,Vol.4, 35-70.
- Brosius, Maria.(2010). Women In Pre-Islamic Persia. *Encyclopedia Iranica*
- Colledge. (1976).*The art of palmyra*
- Colledge. (1977). *Parthian art*. London, paul Elek.
- Curtis, John .(2000).*Mesopotamia & Iran in the Pathian & Sasanian Periods*.
- Downey,S.(1986). History of Art in Iran IV. Parthian,dans. *Encyclopedia fasc*,3:297-301.
- Ghirshman, R. (1972). Masjid- i Solaiman. *Iran* ,10, 171.
- Ghirshman, R. (1962). Parthes et Sassannichees. *Iran*. Paris.
- Ghirshman, R. (1976).Les Terrasses Sacrées de Masjid- I Solaiman et Bard – éNechandeh. *MDP*, 45.
- Gregoratti, Leonardo. (2015). The kings of Parthia and Persia: Some considerations on the "Iranic" identity in the Parthian Empire. *Dabirjournal*,1(1),14-16.
- Gregoratti, Leonardo. (2012). *Parthian Women in Flavious Josephus*. In Martina Hirschberger, judisch-hellenistische literature in Ihrem interkulkontext. *Peter Lang Verlay*, 183-192.
- Hopkins, C. (1939). VI. Temple of Zeus Kyrios. IX. Minor finds in the excavations at Dura_ Europos Preliminary report of the seventh and eighth seasons of work, 284-306 et. 370-388. *NewHaven*. Yale University Press.
- Inrernizzi, Antonio. (2001). Arsacid Dynastic Art. *Partica*, 3: 135- 157.
- Ingen, W. Von. (1939). *Figurines from Seleucia on the Tigris*. The university of Michigan.
- Irene, St .(1983) .*The Anatolian civilizations*.Vol. 2,Turkish Ministry of culture and tourism. Istanbul.
- Mackay, D. (1949). The Jewellery of Palmyra and Its Significance. *Iraq*, 11(2): (Autumn, 1949): 160-187.
- Sarkhosh, Vesta. (1994). More Parthian finds from ancient Elymais in southwestern Iran.*Iranica*.
- Sarkhosh, Vesta. (2017). The Parthian haute-couture at Palmyra. *SDI.DAN.H*,4.9.Positions and Professions in Palmyra.The Royal Danish Academy of Sciences and Letter. chapter4: 52-67.
- Sarkhosh, Vesta. (2001). Parthian Belts and Belt Plaques. *Iranica Antiqua*, 4:299-327.
- Strugnell, E. (2008). The Mousa, Roman Queen of Parthia. *Iranica Antiqua*, VOL.XLIII: 275-298.
- Von der osten, H.H. (1956). *Die welt der Perser*. Stuttgart.

The Figure of Parthian Women on Ancient Relics

S. Zolfaghari*
B. Firuzmandi**
Y. mohammadifar***

Abstract

The research intended to study the woman presence, exposition and status in extended concept on the ancient relics in Parthian era. This research universe was women portraits on the ancient relics from the Parthian era. The sample included the woman images of the archaeological evidences. The method was a descriptive-analytical study based on qualitative data comparing. Data collection was done through library, museum printed and digital references. The results indicated that comparing to the previous era more consideration was taken to the woman portrait and the Parthian presentation of the female was completely different from the preceding periods. The artistic objects were highly eclectic and did not follow a certain style. The clothing customary style of women differed in different regions on Parthian era. The queens and women figures and portraits on the Parthian ancient relics embodied in forms of heads, busts, figurines, statues, murals, coins, architectural decorations, ornaments, dishes and raytheon illustrated the women political and social role and presence on the mentioned era. In addition, comparing the above mentioned ancient relics with other different periods archaeologies would lead to more recognition of the social, cultural, religious and political context of the Parthian era.

Keywords: Figure, Parthian woman, ancient relics

* Ph.D. student of Department of Archaeology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
(Email: Sarazolfaghari412@gmail.com)

** Professor, Department of Archaeology and Faculty Member of Tehran University, Tehran, Iran (Corresponding Author, Email: b.firoz@ut.ac.ir)

*** Professor, Department of Archaeology and Faculty Member of Bu-Ali University, Hamedan, Iran. (Email: yamohamadi@yahoo.com)